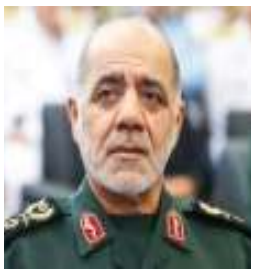
www.aminnews.ir aminnewspaper1376 روزنامه سراسری وکثیرالانتشار صبح ایران قیمت ۱۰۰۰۰ تومان aminnewsagency amine.mardom@yahoo.com



آمریکا منتظر اقدام ما در دریا باشد

امین

پیام تازه سپاه به ناوشکن آمریکایی از آسمان بحرین



PDF Compressor Free Version

چهار شنبه ۲۷ آبان ۱۴۰۵ / ۸ جمادی الثانی ۱۴۴۸ هـ. ق / 18 November 2026 / شماره ۷۳۵۵ / سال بیست و نهم



دشمن ناکام ماند

یادداشت

چالش اخلاق و هنر در سینمای ایران

* نسیبه پیرایش

توقیف سریال «یل» به دلیل نمایش سکانس آغوش میان بابک حمیدیان و سهیلا رضوی، نه تنها در فضای مجازی، بلکه در رسانه‌های کشور نیز جنجال گسترده‌ای به پا کرد. این واقعه، بازنمایی تقابل قدیمی میان «آزادی هنری» و «اصول اخلاقی و دینی» در سینمای ایران است.

در حالی که برخی رسانه‌ها، از جمله خبرگزاری تسنیم، با تمرکز بر مرز میان «نمایش آسیب اجتماعی» و «عادی‌سازی آن»، بر ضرورت ممانعت از چنین صحنه‌هایی تأکید می‌کند، رسانه‌های دیگر با رویکردی متفاوت، این محدودیت‌ها را «ممنوعیت آغوش مادری» نامیده معتقدند هنر صرفاً بازتاب دهنده رفتارهای موجود در جامعه است، نه عامل ایجاد آن‌ها.

واقعیت این است که پیش از این، آثار سینمایی و تلویزیونی متعددی بدون استفاده از صحنه‌های جنسی، الفاظ رکیک یا مصرف الکل، توانسته بودند مخاطب گسترده‌ای جذب کنند؛ آثاری که نه تنها با انتقاد اخلاقی مواجه نشدند، بلکه از نظر کیفی نیز ستایش شدند.

با این حال، تغییرات اجتماعی پس از حوادث سال ۱۴۰۱، گویی مسیر متفاوتی را پیش روی گروهی از مردم و البته هنرمندان قرار داده است. بخشی از مردم و بدنه هنری کشور، با رویکردی سکولارتر، به سمت حذف نمادهای مذهبی و سنتی حرکت کرده است؛ تغییری که با مقاومت بخش قابل توجهی از جامعه که همچنان بر اصول دینی خود پایبندند، روبرو می‌شود. از این نظر، مسئله اصلی، بحث صرف "ممنوعیت آغوش" نیست؛ بحث بر سر عبور از خط قرمزهای دینی و اخلاقی و جایگزینی پیوندهای مشروع با روابط نامشروع در کالبد سینماست. آنچه در برخی آثار مشاهده می‌شود، نه نمایش یک ضرورت دراماتیک، بلکه تلاش برای عادی‌سازی تلاقی دو نامحرم است.

اما چالش اصلی اینجاست که آیا مدیریت فرهنگی با ابزار «سانسور و توقیف» توانسته است در برابر موج تغییرات اجتماعی ایستادگی کند؟ پاسخ منفی است. اگر حاکمیت نتوانسته جلوی تغییرات ساختاری جامعه را بگیرد، نباید انتظار داشته باشد که با توقیف یک سریال، مسیر تحولات فرهنگی را متوقف کند.

با این حال، راهکار نباید در «سیاه و سفید» دیدن ماجرا باشد. توقیف و سانسور صرف، لزوماً راه حل نیست. اگر مدیریت فرهنگی بخواهد با جامعه همگام شود، باید میان «اجبار قانونی» و «واقعیت‌های اجتماعی» تعادلی ایجاد کند. از این رو به نظر می‌رسد که باید واقع‌بین بود؛ در دنیای امروز که ابزار اصلی تغییر رفتارها، "تبلیغات" و "قدرت نرم" است، نمی‌توان با تکیه بر ابزارهای سنتی سانسور و توقیف، در برابر موج رواج سبک زندگی سکولار ایستادگی کرد. وقتی رسانه‌ها و تبلیغات جهانی، بخشی از جامعه را به سمت گذار از ارزش‌های سنتی سوق می‌دهند، پاسخ ما نباید تنها در "منع کردن" باشد.

ادامه در همین صفحه

عملیات پرچم دروغین اسرائیل



*عاطفه پیرایش

همزمان با سفر ترامپ به آسیای شرقی و دیدار سه جانبه با رئیس جمهور روسیه و چین، فاکس نیوز از انتقال برخی از مقامات رده بالای دولت ترامپ به پناهگاه خبر داد و سی ان ان مدعی شد اطلاعات جدید نهادهای اطلاعاتی امریکا نشان می دهد که ایران در حال تدوین طرحی برای هدف قرار دادن مقام های ارشد دولت ترامپ از طریق انفجار بمب کثیف در واشنگتن است.

وقتی خبرنگاران پیش از آغاز سفر، از ترامپ پرسیدند که آیا نگران این نیست که مورد حمله ی پهپادی ایران قرار گیرد، او گفت من نگران شما هستم چون اگر من را بزنند، شما، که در اطراف من هستید از بین می روید.

برخی تحلیل گران بر این باورند که سفر اخیر رئیس موساد به امریکا به قصد ارائه ی اطلاعاتی در همین رابطه انجام شده است. برخی این احتمال را مطرح می کنند که اسرائیل با هدف شعله ور کردن دوباره ی جنگ میان ایران و امریکا و تغییر رژیم در ایران، عملیاتی با پرچم دروغین ایران علیه ایالات متحده طراحی کند و ترامپ یا مقام دیگری از دولت او را ترور کند و مسئولیت آن را متوجه ایران کند.

پیش از این، مقامات ایران موارد متعددی را به عملیات پرچم دروغین اسرائیل مرتبط دانسته اند، مثل حمله به یک کشتی امریکایی در یکی از بنادر مصر، حمله به دفتر رئیس اقلیم کردستان و حمله ی سایبری به سیستم های سرمایشی در سوپر مارکت های فرانسه اما هیچ کدام از این حملات، تلفات واقعی نداشته است. ترامپ پیش از این در جریان یک تیراندازی در کاخ سفید، هدف ترور قرار گرفته بود که تلفاتی نداشت و سریعا خنثی شد.

به نظر می رسد که در امریکا دسته ای بر این باورند که هر چند ایران یا عناصر نزدیک به آن ممکن است راه های احتمالی انجام چنین عملیاتی را بررسی کنند اما این بدین معنی نیست که چنین حمله ای قریب الوقوع است و امکان تحقق چنین اهدافی در خاک امریکا بسیار ضعیف است. به عبارت دیگر، به نظر می رسد که امریکا هنوز ادعای تهدید امنیتی ایران را جدی نمی داند.

از سوی دیگر، اقدامات پیش گیرانه ی امریکایی ها نشان می دهد که آنها تهدید را جدی تر از هر زمان دیگری می دانند.

ماجرای انتقال مقامات ارشد امریکا به پناهگاه مورد توجه رسانه های ایرانی قرار گرفت و در آن رگه هایی از طنز روزگار را دیدند که یک سال پس از انتقال مقامات ایرانی به پناهگاه ها، این بار نوبت امریکایی ها رسیده است که از ترس ترور پناه بگیرند.

از سوی دیگر، در فضای رسانه ای ایران می بینیم که برخی از تندروها پیوسته از تلاش برای انتقام شخصی از ترامپ و ترور او سخن می گویند در حالی که برخی دیگر تاکید می کنند که ایران به دنبال انتقام از امریکا است اما انتقام را مسئله ای شخصی نمی داند و به دنبال آن است که با اخراج امریکا از خاورمیانه از آن انتقام بگیرد و بر این اساس، اتهامات امنیتی رسانه های امریکایی را رد می کنند.

به نظر می رسد ایران باید از مسیرهای دیپلماتیک، موضع خود را در این زمینه، به صورت جدی و شفاف بیان کند و هر گونه احتمال ترور مقامات امریکا را رد کند.

سرنوشت ملت‌ها را نه کاخ سفید، بلکه اراده مردم رقم می‌زند



کاظم غریب آبادی معاون وزیر امور خارجه در صفحه شخصی اش نوشت: ربودن رئیس‌جمهور ونزوئلا و تشدید محاصره اقتصادی کوبا، مصادیقی از اقدامات غیرقانونی آمریکا علیه ملت‌های مستقل است. غریب آبادی بیان کرد: اما تاریخ این کشورها نشان داده است که سرنوشت ملت‌ها را نه کاخ سفید، بلکه اراده مردم مستقل و مقاوم این کشورها رقم می‌زند.

چالش اخلاق و هنر در سینمای ایران

* ادامه یادداشت

راه حل، در رقابتِ معنایی است، نه در اجبارِ قانونی. ما نیازمندِ ایجادِ فضایی هستیم که در آن، سبک زندگیِ مبتنی بر اصولِ اخلاقی و دینی، نه به عنوانِ یک امرِ تحمیلی، بلکه به عنوان یک الگوی جذاب و کارآمد در برابرِ الگوهای سکولار، فرصتِ عرضه و رقابت داشته باشد. در واقع، باید با ایجادِ بسترهای مناسب و حفظ چارچوب‌های کلی با وضع برخی قوانین، برای هر دو شیوه، اجازه داد تا خودِ مردم در فضایِ رقابتیِ ارزش‌ها، بر اساسِ نیازها و واقعیت‌هایِ جهانِ امروز، انتخاب کنند که کدام سبک زندگی با هویت و نیازهایشان سازگارتر است. تنها از این طریق است که می‌توان از "ممنوعیتِ بی‌پایان" به سمتِ یک "پذیرشِ آگاهانه" حرکت کرد.